

حظا کردیم و افسوس خوردیم

گزارش سفر به اروپا

از میان نوشته‌های میرزا حسن خان مستوفی الممالک
و دوست علی خان معیر الممالک

به کوشش فاطمه معزی و پدram خسرو نژاد

www.ketab.ir



عنوان

حفا کردیم و افسوس خوردیم، گزارش سفر به اروپا

مشخصات نشر

تهران: نشر اطراف، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری

۱۷۶ ص.

شابک

۹۷۸-۶۴۲-۶۱۹۴-۷۳۰۰

موضوع

سفرنامه‌های ایرانی — قرن ۱۳ ق.

رده‌بندی کنگره

D۹۱۹

رده‌بندی دیویی

۹۱۴/۰۴۲۸

شماره کتابشناسی ملی

۹۴۳۵۴۹۱



حظ کردیم و افسوس خوردیم

میرزا حسن خان معتمدی و دوست علی خان معیر الممالک

به کوشش فاطمه جمالی و سید امیر خسرو نژاد

ناظر کیفی متن: زهرا رحیمی

طراحی جلد: بهاره بالغ نژاد

ویرایش: هدیه رهبری

بازبینی نهایی متن: محمد حسین واقف

چاپ: کاج صحافی: نمونه

شابک: ۷۳-۰۰-۶۱۹۴-۶۲۲-۹۷۸

چاپ سوم: ۱۴۰۳، ۱۰۰۰ نسخه



اطراف

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است. هر گونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر (چاپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

تهران، خیابان میرداماد، خیابان مصدق جنوبی، کوچه تابان، پلاک ۱۱، واحد ۱

Atraf.ir





فهرست

۳۱ به تعریف درنی آباد، بهار ۱۳۰۱

سفرنامه میرزا حسن خان مستوفی الممالک

۷۵ به به از ژیمناست و الکتریک و شعبده باز

سفرنامه میرزا دوستعلی خان معیر الممالک

۸۹ بهمان و تماشاکن

خاطرات سفر دوستعلی خان در مجله یغما

۱۱۱ خودم از پاریس فریاد شما بگرم

از میان نامه ها

۱۱۴۳ عکس هم بادگار فشنگی خواهد بود

عکس هایی از سفر به اروپا

سخن ناشر

روایت‌های سفر هزاران سال قدمت دارند. آن‌ها که انسان سفر کرده، دربارهٔ سفرهایش قصه هم گفته است. در گفتمان آکادمیک معاصر، سفر - به هر دلیلی و از هر نوعی - اهمیتی ویژه دارد. این روزها ژانر سفرنامه، انواع روایت‌های سفر، پیشینهٔ استعماری سفرنامه‌نویسی و مسائلی مانند این‌ها موضوع بسیاری از پژوهش‌ها هستند و پژوهشگران حوزه‌های ادبیات، تاریخ، جغرافیا، مطالعات فرهنگی، انسان‌شناسی، مطالعات جنسیتی، مطالعات پسااستعماری و خیلی از رشته‌های دیگر به بررسی سفر، سفرنامه‌نویسی و آثار سفرنامه‌ای روی آورده‌اند. این توجه صرفاً به سبب محبوبیت سفرنامه‌ها نیست و چه بسا به گفتهٔ بیل بافورد «ابهام شگفت‌انگیز» سفرنامه‌ها که در مرز میان «واقعیت و داستان» می‌ایستند دلیل اصلی توجه محققان به این ژانر باشد. در سفرنامه‌ها می‌شود رد خیلی از ژانرهای دیگر مثل خاطره‌پردازی، گزارش توصیفی، خودزندگی‌نامه، شعر

حماسی، گزارش ادبی و جستار شخصی را دید و بی شک این درهم آمیختگی ژانرها و فرم‌های مختلف در سفرنامه نیز آن را برای نظریه پردازان ژانر جذاب تر می کند. فارغ از تعریف ما از سفرنامه - که مدت ها موضوع بحث و جدل نظریه پردازان بوده - روایت سفر، خواه برای سخن گفتن از فرهنگ های غریبه و مکان های آگروتیک و خواه برای توصیف فرهنگ ها و مکان های نه چندان دور و ناشناخته، هم عناصری از ژانرهای گوناگون را از آن خود می کند و هم تعریفی نواز این ژانرها ارائه می دهد.

مضامین سفرنامه ها نیز از تنوع چشمگیری برخوردارند: جست وجوگری، ماجراجویی، سفر درونی مسافر، مسائل مربوط به جنسیت و نژاد، استعمارگری / استعمارزدایی، مسائل این ها. فارغ از کم رنگ یا پررنگ بودن عناصر و ساختارهای برگرفته از ژانرهای دیگر در آثار سفرنامه ای، بهترین روش فهم سفرنامه ها توجه به منطق درونی این ژانر است. برخی نظریه پردازان روایت های سفر را، به لحاظ اجتماعی، مهم ترین ژانر ادبی می دانند. سفرنامه در کنار ثبت حرکت زمانی و مکانی مسافر، بر چگونگی تعریف ما از خود و دیگران تأثیر می گذارد و با شکل دادن به درک ما از مفاهیم «من»، «تو»، «ما» و «آنها» هم در سطوح شخصی و ملی و هم در قلمروهای اجتماعی، اقتصادی و روان شناختی نقش مهمی دارد.

کارکردها و کاربردهای سفرنامه ها نیز گوناگون اند. قصه های سفر، حتی پیش از اختراع خط، به شکل شفاهی یا در قالب ترانه یا نقاشی نقل می شدند و کارکردهای گوناگونی داشتند. مثلاً داستان های «دوره خواب های خلقت»*

* در فرهنگ بومیان استرالیا دوره خواب های خلقت (Dreamtime) زمانی است که در آن حیات پدید آمده است.

بومیان استرالیا که فاقد زمان خطی هستند، همزمان با برقراری ارتباطی حیاتی میان مردمان این قاره و پیشینیان شان، ویژگی های طبیعی استرالیا را به روابط اجتماعی مردمش پیوند می زنند. بومیان استرالیا هنگام سفر از جایی به جای دیگر ترانه هایی سنتی می خواندند و مسیر سفر را به قصه درمی آوردند تا مثل نقشه راهی برای دیگران به کار آید. تعریف متفاوت بومیان استرالیا از تاریخ و قداست زمین به مثابه موجودی زنده و دیگر نمونه های مشابه در سرزمین ها و فرهنگ های مختلف نشان می دهد که قصه های فرهنگ های دیگر درباره سفر لزوماً با رویکردهای غربی به سفر و قصه هایش منطبق نیستند.

نشر اطراف با تمرکز بر روایت های واقعیت محور، از نخستین روزهای کارش به ژانر سفرنامه شخصی خاص داشته چون این فرم نوشتاری دیرینه از نمونه های شاخص روایت های واقعی است. زبان روایی دوره قاجار نیز اهمیت سفرنامه های این دوران را برای ما بیشتر کرده است. هشت سفرنامه قاجاری را در قالب دو مجموعه «تماشای شهر» و «سفرنامه های قدیمی زنان» به مخاطبان تقدیم کرده ایم. به علاوه، چهار سفرنامه مصور (در بخش ترجمه)، یک سفرنامه تألیفی معاصر، و یک سفرنامه سه جلدی برای نوجوانان نیز برای علاقه مندان این ژانر منتشر شده است.

کتاب حظ کردیم و افسوس خوردیم مجموعه ای است از قطعات جورچینی که تصویری از سفر به فرنگ در دوران قاجار را پیش چشم ما می گذارد. سوغات سفر پادشاهان قاجاری به فرنگ فقط دوربین و اتومبیل و سفرنامه های شاهانه نبود. بسیاری از همراهان پادشاهان نیز داستانی با خود به یادگار می آوردند. گرچه بیشتر این راویان از طبقه درباری بودند، هر یک از آن ها به شیوه خاص خود با کشورهای اروپایی مواجه شده اند و سفرشان را روایت کرده اند.

کتاب پیش رو روایتی است از سفر دو جوان قاجاری که در سفر اول مظفرالدین شاه به فرنگ همراه او بودند؛ جوانانی که نسبت نزدیکی با شاه داشتند اما فاصله‌شان را با او حفظ کردند تا آن دنیای تازه را به تنهایی کشف کنند. دوستعلی خان معیرالممالک و میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک که بعدها چهره‌های مهمی در تاریخ فرهنگی و سیاسی ایران شدند، بخشی از دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربه‌هایشان در این سفر را در قالب سفرنامه‌هایی در دو سوی یک دفترچه نوشتند. ما برای تکمیل این سفرنامه‌ها و رسیدن به تصویری واضح‌تر از این سفر، سراغ اسناد دیگری هم رفتیم و چند نامه نوشته شده در جریان این سفر، عکس‌هایی دیده‌نشده از آن و همچنین گزارش نشریه‌ای فرانسه‌ای را هم از میان انبوه اسناد و عکس‌های به‌جامانده از خاندان معیرالممالک انتخاب کردیم. به این دو سفرنامه افزودیم.

دکتر پدرام خسرونژاد، پس از یافتن این متون و عکس‌های مربوط به آن‌ها، با همکاری خانم فاطمه معزی مشغول خواندن و پیاده‌سازی نسخه خطی شدند و سپس با تکیه بر پژوهش‌های برون‌متنی، اطلاعات فراوانی را در قالب پانویست و پی‌نوشت به متن اصلی افزودند تا ابهام‌های متن را برطرف کنند. از آن‌جا که این کتاب صرفاً بازخوانی و نشر سفرنامه‌ای کامل نیست، شاید بهتر باشد بخش‌های مختلفش را به چشم قطعاتی از تصویری بزرگ‌تر ببینیم؛ جورچینی که در آن نامه‌ها، عکس‌ها و یادداشت‌های سفر این دو جوان کنار هم می‌نشینند تا روایتی کلان‌تر به ما عرضه کنند.

یادداشت پژوهشگران

(۱)

سفرنامه نویسی یادگار دورانی است که ابزار اندکی برای ثبت مشاهدات مسافر وجود داشت. سفرنامه ها گاه حین سفر و گاه روزانه نوشته می شدند و گاه بعد از پایان سفر روی کاغذ می آمدند. در حالت اول به قفسه های شرایط، پیش می آمد که دو یا چند نفر خاطرات سفرشان را در یک سند (معادل یک دفترچه) ثبت کنند. در کتاب حظ کردیم و افسوس خوردیم نیز با چنین سفرنامه هایی سروکار داریم. دو سفرنامه این کتاب به نخستین سفر مظفرالدین شاه قاجار به فرنگ در ذی حجه ۱۳۱۷ قمری مربوط می شوند و در دو سوی یک دفترچه جلدچرمی مشکی، به قطع شانزده در ده سانتی متر، نوشته شده اند؛ دفترچه ای که میان مجموعه ای از اسناد و عکس های شخصی به جامانده از خاندان معیرالممالک پیدا شده است.

پس از تحقیق و بررسی، روشن شد که این دو سفرنامه - از میرزا حسن خان مستوفی الممالک و دوستعلی خان معیرالممالک - پیش از این انتشار نیافته اند

و در صندوق خانه فراموشی وارثان مجموعه تا به امروز دست به دست شده اند. وجه اشتراک دو سفرنامه این است که نویسندگان هر دو جوان اند و دنیانیده، و نسبت شان با قدرت و ثروت بسیاری از موانع را از سر راه شان برداشته است. هر دو به بهانه همراهی با مظفرالدین شاه عازم سفرند و در عین حال، چون می خواهند مستقل باشند، چند ماه بعد از شروع سفر شاه، قدم در راه می گذارند. میرزا حسن خان مستوفی الممالک، نویسنده سفرنامه اول کتاب، فرزند میرزا یوسف خان مستوفی الممالک و شکر خانم کردستانی بود و در سال ۱۲۹۱ قمری/ ۱۲۵۳ شمسی متولد شد. پدرش مستوفی و صدراعظم ناصرالدین شاه بود و صاحب املاک و باغات فراوانی همچون حسن آباد، یوسف آباد، بهجت آباد و ونک. ناصرالدین شاه به پاس زحمات پدر، در سال ۱۲۹۹ قمری/ ۱۲۶۰ شمسی لقب مستوفی الممالک را به او بخشید. هشت ساله او هم داد. میرزا حسن دوازده سال بیشتر نداشت که پدرش درگذشت. ناصرالدین شاه نیز سرپرستی او را به فرزند خود، سلطان مسعود میرزا ظل السلطان، سپرد و با دقت تربیتش کند و «لله عاقله درست کامل» برای او بگمارد. میرزا هدایت الله وزیر دفتر، پدر دکتر محمد مصدق، عهده دار این کار شد و علم امور استیفا یا همان محاسبات را به وی آموخت.

مستوفی الممالک جوان در سال ۱۳۰۹ قمری/ ۱۲۷۰ خورشیدی با عصمت الملوک، نوه ناصرالدین شاه و دختر امیر دوست محمد خان معیر الممالک و فاطمه خانم عصمت الدوله، ازدواج کرد؛ پیوندی که موجب خرسندی ناصرالدین شاه شد. بعد از درگذشت ناصرالدین شاه و بر تخت نشستن مظفرالدین شاه، ساختار دربار تغییر کرد. میرزا حسن که در جست و جوی راهی برای فرار از مسئولیت های دولتی و دنبال کردن علایق شخصی خود بود، از این تغییرات استقبال کرد و

در سال ۱۳۱۸ قمری / ۱۲۷۹ شمسی بعد از فروش باغ و عمارت یوسف آباد و پرداخت بدهی هایش تصمیم گرفت به تماشای فرنگ برود. اکسپوزیسیون یا همان نمایشگاه بین‌المللی ۱۹۰۰ میلادی بهترین بهانه برای راهی شدن به اروپا بود، بنابراین همسر و سه فرزندش را در تهران گذاشت و رفت. هفت سال در اروپا ماند و دل سیر هر آنچه خواست، کرد. بعد، در اوایل سال ۱۳۲۵ قمری / ۱۲۸۶ شمسی به ایران بازگشت و «به قدر گنجایش چند مغازه بزرگ با خود از هر قبیل اشیا آورد و اسلحه خانه خویش را از هر جهت تکمیل کرد».

مستوفی الممالک زمانی به ایران بازگشت که نظام حکومت از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه تغییر پیدا کرده بود و نخستین مجلس شورای ملی ایران مشغول تدوین قانون اساسی بود. در آن زمان، احزاب متعددی فعالیت می‌کردند و مستوفی الممالک نیز تحت تأثیر اقامت طولانی خود در فرنگ، فعالیت سیاسی‌اش را با تأسیس حزبی به نام «مجمع انسانیت» آغاز کرد. اعضای حزبی آشتیانی‌ها، تفرشی‌ها و گرکانی‌های مقیم تهران بودند و جلسатаش هم جایی نزدیک منزل مستوفی الممالک برگزار می‌شد. او در دولت میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان در ربیع‌الاول ۱۳۲۵ قمری / اردیبهشت ۱۲۸۶ شمسی به عنوان وزیر جنگ به مجلس معرفی شد. این انتخاب همه را حیرت‌زده کرد و نقل است که خود مستوفی الممالک نیز به آن راضی نبود: «من در ظرف هفت سال اقامت فرنگستان بازی بیلیارد یاد نگرفتم، چه رسد به کارهای بزرگ». جوانی که برای رهایی از بار گران مشاغل دولتی، راه فرنگ را در پیش گرفته بود، از آن پس در دوره سلطنت محمدعلی شاه و احمد شاه قاجار بارها به ریاست وزرا (نخست‌وزیری)، وزارت جنگ و وزارت مالیه منصوب شد و کارهای بزرگ به او سپردند. مستوفی الممالک در آغاز جنگ جهانی اول ریاست دولت

را بر عهده داشت و او بود که بی طرفی ایران را در این جنگ اعلام کرد. دو بار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و در دوره حکومت رضا شاه پهلوی نیز سه دوره ریاست دولت را بر عهده گرفت. حسن مستوفی در ششم شهریور ۱۳۱۱ در تهران درگذشت و در آرامگاه خانواده مستوفی در ده ونک، دانشگاه الزهراء فعلی، در کنار پدرش به خاک سپرده شد.

مطالعه شخصیت و عملکرد سیاسی میرزا حسن خان مستوفی الممالک ماجربایی مفصل است و ما در این کتاب فقط او را در جوانی و پیش از عهده دار شدن مناصب سیاسی، در سفرش به فرنگ همراهی می کنیم. او در این مسیر با چند تن از مستعلمان همسرش مثل امان الله میرزا (پسردایی عصمت الدوله، مادر همسرش) و میرزا احمد خان حشمت الممالک (عموی عصمت الملوك) همسفر است و دوست علی خان اعتصام السلطنه، برادر همسرش که نویسنده سفرنامه دوم کتاب است، هم بعد از جمع آن ها ملحق می شود.

دوست علی خان اعتصام السلطنه (معبر الممالک) (پهلوی)، فرزند دوست محمد خان و فاطمه خانم عصمت الدوله (دختر ناصرالدین شاه قاجار)، در سال ۱۲۹۲ قمری / ۱۲۵۳ شمسی در باغ فردوس تهران متولد شد. به رسم ثروتمندان آن زمانه، تحصیل را در خانه و با معلمان منتخب پدرش آغاز کرد. از همان کودکی به نقاشی علاقه مند بود و پدرش هم امکان یادگیری نقاشی را برایش فراهم کرد. او در ۱۳۱۱ قمری / ۱۲۷۲ شمسی با نوش آفرین خانم اعظم السلطنه، دختر علی اصغر خان امین السلطان، صدراعظم وقت ناصرالدین شاه و دوست نزدیک پدرش، ازدواج کرد. با مرگ ناصرالدین شاه و آغاز سلطنت مظفرالدین شاه، تغییراتی در دربار رخ داد. برکناری امین السلطان از منصب صدارت و تبعیدش به قم یکی از این تغییرات بود. دوست علی خان جوان پس از تبعید پدر همسرش

سعی کرد کمتر در دربار حاضر شود ولی دایی اش مظفرالدین شاه تأکید کرد که حساب روابط خانوادگی از مصالح کشور جداست.

با انتصاب مجدد امین السلطان به صدارت، دوستعلی خان نیز به منصب وزارت مخزن نظام یا سر رشته داری قوای نظامی منصوب شد و محاسبه اموال و خرید و فروش مایحتاج وزارت جنگ را به او سپردند. در همان زمان، مظفرالدین شاه تصمیم گرفت به سفر فرنگ برود و این تصمیم با برگزاری نمایشگاه جهانی ۱۹۰۰ میلادی در پاریس مصادف شد؛ نمایشگاهی که شرکت کنندگانش دستاوردهای صنعتی شان را به نمایش می گذاشتند و بنابراین فرصتی کم نظیر برای آشنایی با تحولات صنعتی جهان بود. دوستعلی خان که به گفته خودش «سالها بود که به سفر فرنگ» داشت، فرصت را غنیمت شمرد و از شاه و از صدراعظم، میرزا علی اکبر خان امین السلطان که پدر همسرش هم بود، اجازه گرفت تا جدا از کاروان شاه و همراه با دو تن از بستگان رسمی، راهی این سفر شود. قرار شد محمد حسن خان مؤید خلوت، علی کوچک دوستعلی خان)، عبدالله میرزا قاجار، صادق خان نواب و حاج یوسف خان (پسر دایه مادرش) هم او را همراهی کنند.

خاطرات سفر فرنگ دوستعلی خان از زمان حرکت از تهران تا بازگشت، در بخشی از متنی که با عنوان «هشتاد و پنج سال زندگی در چند صفحه» برای مجله یغمانوشته نیز منتشر شده است. برای تکمیل این مجموعه، این بخش از نوشته او را هم پس از روزنوشت های سفرش در کتاب آورده ایم. همچنین ترجمه مطلبی که روزنامه ای فرانسوی نیز درباره او منتشر کرده، در ادامه کتاب آمده است. نسخه این روزنامه از میان اسناد به جامانده از خاندان معیرالممالک به دست آمده و اولین بار است که ترجمه فارسی آن منتشر می شود.

روزنوشت‌های سفر دوستعلی خان در دفترچه مشترکش با مستوفی‌الممالک به بخشی از سفرش از پاریس به استانبول بلیک و وقایع رخ داده در این سفر چهارروزه و همچنین ماجرای بازگشتش به ایران مربوط است. دوستعلی خان در مطلبی که برای مجله یغمانوشته، علت این سفر چهارروزه را چنین شرح می‌دهد:

قرار بود شاه از پاریس به لندن برود ولی چون یکی از پسرهای ملکه ویکتوریا به تازگی درگذشته و دربار انگلستان سوگوار بود برنامه برهم خورد و شاه برای گذراندن مدتی که می‌بایست در لندن بماند به استانبول رفت. دو روز پس از رفتن شاه نامه‌ای از سپهسالار رسید که براتی به مبلغ هشتاد هزار تومان جهت ملبوس و لوازم نظامیان جوف آن بود. برات مزبور می‌بایست به استانبول آتایک برسد و هر چه زودتر پس فرستاده شود. من ناچار رهسپار استانبول و یکسره نزد آتایک رفتم.

پس از بازگشت دوستعلی خان از سفر فرنگ در ۱۲۸۲ قمری/ ۱۲۸۲ شمسی عین‌الدوله، صدراعظم وقت، او را به اختلاس در نظام متهم کرد. دوستعلی خان هم، برای رفع این اتهام، از ریاست مخزن نظام کناره گرفت و از آن پس دیگر هیچ منصب دولتی‌ای را نپذیرفت. او در ازدواج اولش هم شکست خورد و بعد از جدایی از اعظم‌السلطنه، در سال ۱۳۲۸ قمری با شمس‌النهار خانم فرح‌السلطنه، دختر حشمت‌الممالک، عموی خود، ازدواج کرد. بعد از درگذشت پدرش در ۱۳۳۰ قمری/ ۱۲۹۱ شمسی (دوران سلطنت احمد شاه قاجار) لقب معیرالممالک به او رسید و پس از برافتادن القاب سنتی در دوره سلطنت رضا شاه پهلوی، معیرالممالک نام خانوادگی «معیری» را برای خود و خانواده‌اش برگزید.

معیرالممالک، پس از کناره‌گیری از مناصب دولتی، خودش را با نقاشی، شکار، کبوتربازی، پرورش ماکیان و تشکیل محافل تفریحی و فرهنگی در خانه مشغول کرد. از دیگر کارهای او نوشتن خاطراتش از دوران ناصرالدین شاه است که نشر تاریخ ایران آن‌ها را در قالب دو کتاب رجال عصر ناصری و یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه منتشر کرده است. وقایع الزمان یا خاطرات شکاریه نیز کتاب دیگر اوست که معیرالممالک در آن، ضمن شرح شکارهایش، وقایع روزانه سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۳۱ قمری را نیز ثبت کرده است. وقایع الزمان در چند جلد نوشته شده اما تنها یک جلد آن که به وقایع سال ۱۳۲۹ قمری مربوط می‌شود در سال ۱۳۶۱ قمری توسط نشر تاریخ ایران منتشر شده است. دوستعلی خان معیری در آبان ۱۳۴۵ قمری درگذشت.

علاوه بر آنچه گفتیم، هشت نام دیگر از این سفر باقی مانده که خواندن آن‌ها به شکل‌گیری تصویر کامل‌تری از این سفر کمک می‌کند. در پایان کتاب هم عکس‌های متنوعی از این سفر آمده است، از پرتوهای دوستعلی خان گرفته تا عکس‌هایی از گردش‌های جمعی جوانان ذوق‌زده فرنگی‌پوش و البته عکس‌های متفاوتی از مظفرالدین شاه. بیشتر این عکس‌ها پیش از این منتشر نشده‌اند و دیدن‌شان شاید درک درست‌تری از حال و هوای سفر به فرنگ در سال‌های دور به ما عرضه کند.

سفرنامه‌های این دفترچه به ترتیب اصلی از پی یکدیگر آمده‌اند و هر جا که لازم بوده، برای روشن کردن ابهام‌ها پانویست‌ها و پی‌نوشت‌هایی به آن‌ها افزوده‌ایم. برای آن‌که تعدد اسامی ذکرشده در متن مخاطب را سردرگم نکند، شخصیت‌های اصلی سفر را در ابتدای کتاب معرفی کرده‌ایم و در پانویست‌ها

هم تا آن جا که می‌شده، دربارهٔ افراد توضیحاتی دادیم. معنای کلمه‌های دشوار و غریب متن نیز در انتهای کتاب، در بخش واژگان، آمده است.

تلاش ما این بوده که به متن اصلی وفادار باشیم، بنابراین تغییراتی که اعمال شده بسیار اندک و با دقت فراوان بوده است. رسم الخط حتی الامکان تغییر نکرده و تنها غلط‌های املائی فاحش اصلاح شده‌اند. کلمه‌هایی که برای واضح‌تر شدن متن به آن اضافه شده در قلاب قرار گرفته‌اند و هر جا هم که بعد از تلاش بسیار، از خواندن کلمه‌ای در متن اصلی درمانده‌ایم، از سه نقطه استفاده کرده‌ایم. امید است که این اثر روزن و رهگشایی در مطالعات تاریخ دورهٔ قاجار باشد. با تشکر بسیار از حوصله و صبر نشر اطراف، سرکار خانم مرشدزاده و خانم ترابی که همراه و همکار بودند.

فاطمه معزی، آبان ماه ۱۴۰۲

(۲)

آشنایی اولیهٔ من با خاندان محترم معیرالممالک از طریق تصاویر بانوان دوران قاجار بود که به امیر دوست محمد خان معیرالممالک و برادر ایشان جناب محتش‌الممالک نسبت داده می‌شوند.

در سال ۱۳۹۳ برای اولین بار در یک مجموعهٔ خصوصی در لندن با اصل تصاویر خاص این خاندان و همچنین آلبوم‌ها و عکس‌های خانوادگی ایشان آشنا شدم. مجموعه‌ای کم‌نظیر که امروز بخشی از آن در شهر لس‌آنجلس آمریکا در یک مجموعهٔ خصوصی قرار گرفته و بخش دیگر آن نزد دلال آثار هنری در یکی از شهرهای دورافتادهٔ فرانسه است.

سال ۱۳۹۴ از طریق همکار گرامی جناب آقای پروفیسور منوچهر اسکندری قاجار در آمریکا با جناب محمد معیری، یکی از تنها نوادگان پسری جناب دوستعلی خان معیرالممالک آشنا شده و در چندین سفر با ایشان و خواهرشان دیدار و مصاحبه‌های متعددی داشتم. همزمان در ایران نیز با سرکار خانم لیلا معیری، یکی دیگر از نوادگان جناب دوستعلی خان معیرالممالک آشنا شده و طی نشست‌های متعدد با ایشان نیز در رابطه با خاطرات شخصی و تاریخ خاندان محترم‌شان صحبت‌های مفصلی داشتیم.

از مجموع سخنان فرزندان این خاندان محترم این‌گونه به نظر می‌رسد که مجموعه‌های بن‌ظیف این خاندان توسط خویشاوندان رده دوم این خانواده به تاراج و یغما رفته‌اند. عکس‌های امیر دوست محمد معیرالممالک، خوش‌نویسی‌های میرزا غلامرضا آصفه‌ای و لوله‌های صوتی این خاندان هم جزو همین گنجینه تاراج شده بوده‌اند.

در سال ۱۳۹۶ پس از پژوهش‌های میدانی وسیع و تمام‌جانبه مراکز فرهنگی داخل و خارج از ایران برای یافتن اطلاعات بیشتر، مجموعه‌داری از کشور سوئیس با من تماس گرفت و مدعی شد که بخش عمده‌ای از مجموعه شخصی امیر دوست محمد معیرالممالک و خاندان ایشان را در اختیار داشته و تمامی را یک جا می‌فروشد.

پس از بازدید حضوری در سال ۱۳۹۷ این مجموعه را خریداری کرده ولی به جهت تغییر شغل دانشگاهی و نقل مکان به کشور استرالیا مجالی پیش نیامد تا این مجموعه کم‌نظیر را تا سال ۱۳۹۹ به استرالیا انتقال دهم و آن را بازبینی کنم. این مجموعه شامل ۱۷۰۰ عکس و ۱۵۰۰ سند خطی از مجموعه شخصی امیر دوست محمد معیرالممالک است که به گمان من در اختیار فرزند ایشان

جناب دوستعلی معیری بوده و بعد از ایشان این مجموعه با ارزش تاریخی و فرهنگی به دست دلان رسیده است. پس از بازبینی کلی این مجموعه و تماس با جناب آقای محمد معیری در آمریکا و سرکار خانم لیلا معیری در ایران بود که بر اصالت این مجموعه اطمینان پیدا کردم.

یکی از اجزای مهم این مجموعه همین سفرنامه است که به همت و یاری همکار محترم سرکار خانم فاطمه معزی مطالعه، تصحیح و تکمیل شده است. این دفترچه کوچک در میان این مجموعه کم‌نظیر مدفون شده بود و من تا همین اواخر مطالعه‌اش نکرده بودم و به ارزش آن پی نبرده بودم. همزمان با بررسی بخش‌های موجود در این مجموعه، در رابطه با سفر جناب دوستعلی و همراهانش به عراق متوجه شدم که رابطه خاصی میان تصاویر و اسناد این مجموعه وجود دارد و این دوره بود که نامه‌هایی که در رابطه با این سفر بودند نیز جمع‌آوری و به کتاب اضافه شدند.

خاندان معیرالممالک نقش مهمی در حفظ و نشر فرهنگ ایران و رسوم ایرانیان داشته‌اند. همگامی ادبیات سفر با عکاسی سفر در این کتاب به خوبی آشکار است و شاید بتوان گفت برای اولین بار چنین تحقیقی این‌گونه مرتبط بر مبنای تصویر، نامه و سفرنامه دوره قاجار به این شکل ارائه می‌گردد. در این جا بر خود لازم می‌دانم تا از همه دوستان و همکاران گرمی که در این پژوهش ما را یاری کردند، سپاسگزاری کنم.

پدرام خسرو نژاد، آذرماه ۱۴۰۲